



از بند اول قانون تسهیل ازدواج جوانان درباره تهیه مسکن تا بندهایی درباره حقوق ماهانه به زوجین تا بندی که نهادهای عمومی و دستگاه‌های دولتی را موظف به در اختیار دادن باشگاه‌ها و تالارهای خود برای مراسم‌های عروسی می کند و... همه شامل مشخص نبودن نهاد اجرایی می شوند. وقتی می گوید دولت، مشخص نیست از کدام دولت صحبت می کند. وقتی می گوید نهادهای عمومی معلوم نیست از کدام نهاد عمومی صحبت می کند. در واقع همه چیز مبهم و کلی است



زور ۳ قوه به این قانون نمی‌رسد!

جمع مان جمع بود. یکی مثل من متأهل شده بود و بچه‌دار، دیگری در آستانه تشکیل زندگی و آن یکی قید ازدواج را زده بود. کتب و گفت‌وگو از مرور خاطرات رسیده بود به مقوله ازدواج و بچه‌دار شدن. من و فاطمه که متأهل و بچه‌دار هستیم به نازنین و حدیثی سرگشته می‌زیسم و یز زندگی متأهلی را می‌دادیم. نه از روی شوخی بلکه خیلی جدی سعی داشتیم این دو را متقاعد کنیم که زندگی اساسا از زمان متأهلی شروع و با آمدن بچه شیرین تر می‌شود. نازنین که دختری از یک خانواده چهار نفره است با پهنانه اینکه پدرش فقط به خواستگاری که مسکن مناسب داشته باشد جواب می‌دهد، می‌گفت: «بابام میگه ما زحمت کشیدیم و چیزی به خوبی روبروی تو آماده کردیم. حیث نیست این چیزی به پره توی زندگی‌ای که بخواد هر سال اثاث کنشی داشته باشه!» به نظر می‌آید راست میگه، نه من و نه بابا توقع نداریم همسر آینده‌ام صاحب خانه باشد اما لااقل باید مبلغ قابل توجهی را برای رهن مسکن داشته باشد تا هر سال مجبور نباشیم اثاث کنشی کنیم!

و گفت: هر وقت خودت صاحب دومی و سومی شدی آن وقت برای من نسخه ببیح! بگذار همین اولی را سپیدبخت کنیم؛ چرا دروغ؟ با صحبت‌های فاطمه هم عقیده‌ام و نمی‌تونم خواسته‌ام را به همسرم تحمیل کنم و در شرایطی که مشکلات اقتصادی افزایش یافته، بارش را سنگین تر کنم. حالا شما در نظر بگیرد، آیا با این طرزافکار و عقاید که ناشی از مشکلات کنونی کشور و بی تفاوتی برخی مسئولان است، می‌شود با جوانان درباره فرزندآوری در سرنوشته آینده کشور صحبت کرد؟ اساسا در شرایط کنونی، ازدواج و افزایش جمعیت اولویت چندم جوانان است؟ بسیاری معتقدند در شرایطی که حمایتی از زوجین انجام نمی‌شود، ازدواج و بچه‌دار شدن و به دنبال آن افزایش جمعیت میسر نخواهد شد. این روزها به جرئت می‌توان ادعا کرد که مسئولان هیچ برنامه و دغدغه‌ای برای دو موضوع مهم ازدواج و فرزندآوری ندارند، کما اینکه آمارها مهر تأییدی بر این مدعا است!

نظر کارشناس

کاهش ۴۰ درصدی میزان ازدواج در کشور

اوایل خردادماه سال جاری، حامد برکاتی مدیرکل سلامت، جمعیت خانواده و مدارس وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اظهار کرد: میزان ازدواج در کشور از سال ۸۹ تاکنون ۴۰ درصد کم شده و این رنگ خطری است که آینده کشور را در بعد ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی به مخاطره می‌اندازد. برکاتی افزود: میزان ازدواج‌ها در سال ۸۹، حدود ۸۹۰ هزار بود که در سال ۱۳۹۸ کمتر از ۵۵۰ هزار مورد شد و ۴۰ درصد کاهش یافت.



بزرگی در زمینه ازدواج می‌دهد که البته هیچ‌یک به مرحله اجرا نرسیدند. در بند یک این قانون به ایجاد صندوقی تحت عنوان «صندوق اندوخته ازدواج جوانان» اشاره شده است تا منابع مالی این قانون تأمین شود. برای تشکیل این صندوق سه ماه بعد از تصویب قانون زمان در نظر گرفته شده بود. ماده ۲ تأکید می‌کند که باید از محل این صندوق به مدت سه سال قرار دهد. اوین صندوق به مزدوجین نیازمند به اجاره مسکن، وام و دیده مسکن پرداخت شود. ماده ۳ دولت را موظف می‌کند تا با همکاری با چندین نهاد، واحدهای ساختمانی به عنوان «مسکن موقت» احداث کرده و آنها را در اختیار زوج‌های جوان با اجاره مناسب بدهد. ماده ۴ کلیه دستگاه‌های دولتی و عمومی را موظف کرده تا تالارها و باشگاه‌های خود را در اختیار زوج‌ها قرار دهند. بر یک از خانواده‌هایی هم که زوجین

شعب تند کاهش فرزندآوری در ایران

شهبلا خسروی مشاور وزیر بهداشت در امور ماماایی نیز اواخر اردیبهشت ماه سال جاری درباره مقوله جمعیت و نرخ باروری زنان ایرانی گفت: جمعیت ما در حال پیر شدن است به شکلی که مسیر پیر شدن در ایران نسبت به دنیا خیلی سریع‌تر بوده است و در حالی که در حدود ۶۰ سال گذشته جمعیت دنیا پنج سال پیر شده، جمعیت ایران ۱۰ سال پیر تر شده است. سازمان‌های جهانی برآوردهایی از نرخ باروری ایران داشتند اما اکنون تردیدهایی وجود دارد که اعداد اعلام شده آیا واقعا نرخ باروری ایران بوده یا خیر؛ در حال حاضر عددی که در مورد نرخ باروری مطرح می‌شود، به ازای هر زن در سن باروری ۱۱۸ فرزند است.

آموزش و مشاوره قبیل و بعد از ازدواج مشتمل بر برنامه‌های مشاوره برای همسرایی، تشکیل خانواده، آداسازی زوج‌های جوان برای آغاز زندگی مشترک، آشنایی با حقوق خانوادگی و اخلاق همسراری و آدادمی برای داشتن فرزند را تهیه و طرح هم ماه پس از تصویب این قانون به مجلس ارائه دهد. ماده ۹ می‌گوید دولت موظف است متأهلین واجد شرایط را در اولویت دسترسی به فرصت‌های شغلی، وام اشتغال و وام مسکن قرار دهد. ماده ۱۰ برای وزارتخانه‌های علوم و بهداشت مقرر کرده است که برای متأهلین خوابگاه دانشجویی ایجاد کند و به آنها دو برابر دانشجویان متأهل کمک هزینه تحصیلی پرداخت کند. ماده ۱۱ و ۱۲ هم به سه ماه مهلت تهیه آیین‌نامه اجرایی قانون توسط دولت، گزارش اجرای قانون به کمیسیون فرهنگی مجلس هر شش ماه و مکلف شدن و ترویج این دو امر دیده شده است.

چرا قانون تسهیل ازدواج اجرا نمی‌شود؟

سینا کلهر پژوهشگر حوزه فرهنگ معتقد است قانون تسهیل ازدواج جوانان به سه دلیل عمده در ۱۵ سال اخیر اجرایی نشده است: اشکال اول این است که این قانون، نهادهای مجری را به طور دقیق مشخص نکرده است. یعنی تکلیفی تعیین شده و حکمی بیان شده است که نهاد اجرایی آن مشخص نیست. به همین خاطر وقتی قانون اجرا نمی‌شود نهاد ناظر نمی‌داند مقصر کیست. از بند اول این قانون درباره تهیه مسکن در سه سال آینده ماهانه به زوجین تا بندی که نهادهای عمومی و دستگاه‌های دولتی را موظف به در اختیار دادن باشگاه‌ها و تالارهای خود برای مراسم‌های عروسی می‌کند و... همه شامل مشخص نبودن نهاد اجرایی می‌شوند. وقتی می‌گوید دولت، مشخص نیست از کدام دولت صحبت می‌کند. وقتی می‌گوید نهادهای عمومی معلوم نیست از کدام نهاد عمومی صحبت می‌کند. در واقع همه چیز مبهم و کلی است. به همین خاطر الان هم نمی‌شود گفت که مثلا وزارت ورزش و جوانان! این همه سال تقصیر تو بوده است که این کارها را انجام ندهای پس بیا و جواب بده. کلهر ادامه می‌دهد: دلیل دوم برای اجرایی شدن قانون مذکور مشخص نبودن منابع مالی است. مثلا مشخص نیست که هزینه تأسیس صندوق اندوخته ملی جوانان باید از کجای این قانون می‌گوید دولت موظف است بر اساس منابع بودجه سنواتی کار الف را انجام بدهد. دولت هم می‌گوید بودجه سنواتی من اصلا منبع ندارد! آخرین مورد هم عدم ضمانت اجراست. در دل خود این قانون حکمی وجود ندارد که اگر کسی تخلف کرد و مواد قانون را اجرا نکرد، چه اتفاقی برای او می‌افتد.

نکته حقوقی

۲ راه حقوقی برای اعاده حیثیت

یکی از سؤالاتی که در دادگاه‌ها و کیل‌ها و کارمندان دادگستری پرسیده می‌شود، در مورد راهکار اعاده حیثیت (ادعای شرف) است. چون در برخی پرونده‌ها که اختلاف‌های جزئی و انتقام‌جویی پای دو طرف دعوا را به دادرسا باز می‌کند در واقع، یکی از طرفین اختلاف برای اینکه طرف مقابل را زیر فشار قرار دهد و انتقام بگیرد، اقدام به شکایت کیفری از طرف دیگر می‌کند و با این وجود در ذهن خویشان و آشنایان نوعی نگاه منفی به طرف مقابل به وجود خواهد آورد. جبران این سویرداشت کار آسانی نیست؛ اولاً رسیدگی به پرونده در دادسا و دادگاه زمانی به درازا می‌کشد که این خود در تشدید نگاه منفی آشنایان مؤثر است و ثانیاً بعد از اینکه متهم برائت حاصل کرد، همه به این رأی دسترسی ندارند و ممکن است از آن مطلع نشوند. در چنین وضعی متهمی که برائت حاصل کرده است، بسیار متضرر می‌شود و باید راهی برای جبران این وضع باشد، اینجاست که موضوع اعاده حیثیت مطرح می‌شود. به لحاظ اجتماعی هر شخصی که با اقدام خود موجب تضرر دیگری شود و از حیث مادی یا معنوی به وی خسارت وارد کند، باید در چارچوب ضابطه سببیت (نقش مباشر یا مسبب) خسارات وارده را جبران کند. این یک اصل اجتماعی است که به تدریج در قوانین موضوعی کشورها اثر گذاشته است و با توجه به آن ضمانت اجراهای مدنی و کیفری متنوعی برای تضمین حقوق از دست‌رفته اشخاص زیان دیده پیش‌بینی شده است که یکی از این ضمانت اجراها اعاده حیثیت است. این اصطلاح به مفهوم اعاده یا بازگرداندن وضع افراد از باب تنزل حیثیت و موقعیت اجتماعی ناشی از طرح شکایت ناروا به حالت سابق است. به عبارت روشن تر با این اقدام کوشش می‌شود که آبروی از دست‌رفته شخص ذفکار عمومی یا در جمع خاص به صورت مجدد احیا شود و با اثبات بی‌گناهی وی موقعیت اجتماعی زیان دیده به حالت اولیه برگردد.

در مجموع اعاده حیثیت بیشتر ناظر به برگشت اعتبار معنوی شخص از طریق قانونی است. فایده‌نگار در اکثر کشورها روش‌های مختلفی را برای آن پیش‌بینی کرده که اولین روش انتشار حکم بی‌گناهی اشخاص از طریق رسانه‌ها و شیوه‌هایی است که بتوانند پیام این حکم را به اطلاع عموم مردم برسانند. دومین سازوکار، تعقیب شخص مقتری است؛ یعنی شخصی که با طرح شکایت غیرواقعی باعث هتک حیثیت اشخاص شده است. از فردی را متهم به ارتکاب جرمی کرده است که بعد از رسیدگی قضایی روشن می‌شود بی‌گناه است؛ بنابراین با اثبات سوءنیت ششاک و اینکه وی قصد اضرار به دیگری داشته است، افترا زننده به مجازات جرم افترا محکوم می‌شود؛ این قاعده‌ای است که در اکثر کشورهای جهان ساری و صادق است.

اعاده حیثیت در علم حقوق و در مفاهیم اجتماعی در واقع مربوط به افرادی می‌شود که مرتکب جرم نشده و بی‌گناهند و بی‌گناهی آنها نیز اثبات شده است. به عبارت دیگر موضوع اعاده حیثیت در خصوص مجرمان مطرح نمی‌شود. درباره مجرمان وضعیت دیگری پیش می‌آید؛ وضعیتی که از آن تحت عنوان اعاده حقوق اجتماعی یاد می‌شود. قانونگذار ارتکاب برخی جرائم را موجب محرومیت مرتکبان آنها از حقوق اجتماعی دانسته است؛ محرومیتی که با گذشت مدت زمان مشخص از ارتکاب جرم یا اجرای مجازات از مجرم زوده می‌شود. به عبارت دیگر مجرمانی که به دلیل ارتکاب جرائم خاص از حقوق اجتماعی خود محروم شده‌اند با گذشت زمان خاصی مجدداً دارای همان حقوق از دست‌رفته خواهند شد. بنابراین در اینجا اعاده حیثیت به آن معنایی که قبلاً مورد توضیح قرار گرفت مفهوم پیدا نمی‌کند، بلکه حالت دیگری تحت عنوان اعاده حقوق اجتماعی مطرح می‌شود.

طرح شکایت افترا

کسانی که قربانی طرح شکایت واهی شده‌اند و حیثیت آنها لکه‌دار شده است، معمولاً به دنبال راهی هستند که به بهترین روش ممکن حیثیت خود را احیا کنند و افترا زننده را به سرزای عمل خود برسانند. چنین شخصی می‌تواند با طرح شکایت افترا علیه شخصی که این شکایت غیرقانونی را مطرح کرده است برای اعاده حیثیت خود تلاش کند. یعنی فرد بعد از اثبات بی‌گناهی خود می‌تواند طبق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی به عنوان مقتری شخص ششاکي را تعقیب کند. معمولاً در این خصوص شخص یا طرح شکایت افترا به دادسا، تقاضای تعقیب، تحقیق و محکومیت مقتری را می‌کند. در همین راستا مقتری احضار می‌شود و وقایعات خود را ارائه می‌دهد اما در صورت اثبات سوءنیت وی، کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به اتهام مربوط به دادگاه عمومی جزایی ارسال می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که برای اعاده حیثیت شخصی که با طرح شکایت واهی اعتبار او در جمع خویشان و آشنایان لکه‌دار شده است، دو راه وجود دارد؛ اولین راه طرح شکایت افتراست. در صورتی که وقوع این جرم ثابت شود، مقتری که شکایت واهی مطرح کرده مجازات خواهد شد و بدین ترتیب حیثیت لکه‌دار شده شهروندان جبران می‌شود. اما راهکار دیگری که برای جبران خسارت چنین اشخاصی وجود دارد، جبران خسارت معنوی آنهاست. در ماده یک قانون مسئولیت مدنی تأکید شده است: هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده، لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است. چنانکه معلوم است ضرر معنوی به صراحت در این ماده از قانون مسئولیت مدنی قابل جبران اعلام شده است و این ماده می‌تواند مستندی برای دادگاهها باشد تا با صدور رأی به جبران خسارت معنوی وارد شده به شهروندان، از آنها در مقابل طرح شکایت‌های واهی و بدون پشتوانه حمایت شود. اما چنانکه این حقوق‌دان مورد تأکید قرار داد رویه قضایی تمایل چندانی به صدور رأی به جبران خسارت معنوی از کسانی که با طرح شکایت واهی خسارت دیده‌اند وجود ندارد.